

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
سال یازدهم، شماره ۳۰، بهار ۱۳۹۸

مقایسه مراحل در چکیده‌های مقاله‌های رشته‌های علوم انسانی و پایه/پزشکی بر پایه مدل دادلی ایوانز^{۱*}

سید عبدالمجید طباطبایی لطفی^۲

ظاهره قاسمی^۳

مهین سادات طباطبایی^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۰۹

چکیده

این پژوهش، در حوزه گسترده زبان‌شناسی اجتماعی صورت گرفته است تا از زاویه گونه‌گونگی زبانی و با به کارگیری شیوه‌ای توصیفی و تحلیلی به بررسی گوشه‌ای از رفتار زبانی یکی از قشرهای برجسته جامعه ایرانی، یعنی استاد‌های دانشگاه، بپردازد. تمرکز این مقاله، از میان متغیرهای زبانی ممکن، بر مرحله‌های نگارش چکیده‌های مقاله‌هایی است که از جامعه گفتمانی مقاله‌نویس‌ها استخراج

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.15924.1353

* نگارندگان بر خود لازم می‌دانند تا از همکاری معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم در مهیا نمودن هزینه‌های مالی، امکانات و لوازم مورد نیاز پژوهش حاضر صمیمانه قدردانی نمایند.

^۲ دکترای تخصصی آموزش زبان انگلیسی، استادیار گروه زبان انگلیسی، هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم (نویسنده مسئول)؛ majidtabatabaee@qom-iau.ac.ir

^۳ دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، استاد مدعو گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم؛ maryamqasemy@qom-iau.ac.ir

^۴ دانشجوی دکتری آموزش زبان انگلیسی، استاد مدعو گروه زبان انگلیسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قم؛ marjantabatabaee@qom-iau.ac.ir

شده است. داده‌های پژوهش مشتمل بر ۶۰ چکیده از مقاله‌های چاپ شده مستخرج از طرح‌های پژوهشی است که در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳ به وسیله اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه/پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی به نگارش درآمده‌اند. به منظور مشخص نمودن نوع مرحله‌ها و فراوانی آن‌ها در چکیده مقاله‌ها از مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) استفاده شده است. یافته‌های پژوهش، نشان می‌دهد که بیشترین گونه‌گونگی در چکیده‌های مورد بررسی مربوط به زیرمرحله‌های دوم و سوم از مرحله ششم بوده و تفاوت معناداری در دیگر مرحله‌های چکیده‌های مورد اشاره وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: جامعه‌گفتمانی، مرحله، تحلیل مرحله‌ای، چکیده مقالات،

مدل دادلی-ایوانز

۱. مقدمه

امروزه در سراسر جهان، تسلط بر مهارت نگارش متن‌های دانشگاهی، برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها اهمیت بسیاری دارد. زیرا هویت دانشگاهی اعضای این جامعه گفتمانی، تا اندازه بسیاری به آثار علمی بستگی دارد که به چاپ می‌رسانند. بدون انتشار این گونه آثار، فرد بخشی از هویت علمی خود را در جامعه دانشگاهی از دست می‌دهد. پکوراردی (Pecorardi, 2002) بیان می‌کند که نگارش یکی از ابزارهایی است که افراد با بهره‌گیری از آن می‌توانند جایگاهی در جامعه دانشگاهی به دست آورند (Pecorardi, 2002; quoted from John, 2009, p. 272). در این راستا، یکی از چالش‌هایی که پیش روی افراد، در ورود به جامعه گفتمانی دانشگاهی قرار دارد، چگونگی بیان کردن و شناسایی قالب‌های گفتمانی رایج در این جامعه است. همچنین نویسنده‌ها، باید آگاه باشند که سبک نگارش و ارائه مطالب در هر حوزه، با حوزه دیگر تفاوت دارد (John, 2009, p. 273). بر پایه دیدگاه اماگیو هادلی (Omaggio Hadley, 1993) مهارت نگارش را می‌توان به مثابه پیوستاری در نظر گرفت که از یک سو با کنش‌های مکانیکی یا به بیانی کنش‌های ساختاری نوشتن آغاز می‌شود، و در نهایت به توانایی پیچیده‌تر نگارش و تألیف در سوی دیگر می‌انجامد. همچنین، نگارش اشاره دارد به توانایی بیان یا بازگو کردن اطلاعات در قالب‌های روایی یا توصیفی و یا انتقال اطلاعات به متن‌های دیگر در قالب نوشتار تشریحی یا استدلالی. تسلط بر این پیوستار، مهارتی است که به باور اماگیو هادلی (Omaggio Hadley, 1993) به وسیله آموزش و تمرین به دست می‌آید (Omaggio Hadley, 1993).

یکی از بخش‌های مهم مقاله‌ها، چکیده آن‌ها بوده که از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به بیانی، چکیده مقاله، مدخل مقاله به شمار می‌آید. در بیشتر موارد، تصمیم خواننده بر ادامه خواندن متن، پس از مرور چکیده مشخص می‌گردد. زیرا چکیده، شمایی کلی از متن مقاله پیش‌رو را ارائه می‌دهد. بنابراین، مطالعه شیوه نگارش آن در مقاله‌های گوناگون می‌تواند بسیار مفید بوده و در آسیب‌شناسی ساختار نگارشی مقاله‌های دانشگاهی اطلاعات ارزشمندی را ارائه دهد. از جمله روش‌های مطالعه شیوه نگارش چکیده‌ها، تحلیل مرحله‌ای است. تحلیل مرحله‌ای^۱، به عنوان زیرشاخه‌ای از تحلیل ژانر در نظر گرفته می‌شود. تحلیل مرحله‌ای، از جمله روش‌هایی است که برای مطالعه ساختار چکیده‌ها به کار گرفته شده‌است. بر این مبنای پژوهشگران این حوزه توانسته‌اند با این روش، به شناسایی و استخراج ویژگی‌های چکیده‌های مقالات پرداخته و مدل‌هایی را برای آموزش چکیده‌نویسی ارائه دهند.

پژوهش در پیوند با نگارش، چه در زبان مادری و چه غیر آن، چندین دهه است که مورد توجه پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی کاربردی قرار گرفته‌است. در این میان می‌توان به آثار کاپلان (Kaplan, 1983)، سویلز (Swales, 1990)، هیندز (Hinds, 1990)، لکی (Leki, 1992)، دادلی - ایوانز (Dudley-Evans, 1994)، کانر (Conner, 1996)، نوگو (Nwogu, 1997)، کامینگ و ریاضی (Cumming & Riazi, 2000)، باتیا (Bhatia, 2004)، هینکل (Hinkel, 2004)، هایلند (Hyland, 2007)، جلیلی‌فر (Jalilifar, 2009) و کوشا و طباطبایی لطفی (Kousha & Swales, 2015) اشاره نمود. در پیوند با پژوهشگران مورد اشاره، سویلز (Swales, 1990)، دادلی - ایوانز (Dudley-Evans, 1994) و نوگو (Nwogu, 1997) مدل‌هایی برای تحلیل مرحله‌ای بخش‌های گوناگون مقاله‌های دانشگاهی ارائه نموده‌اند. از میان پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با نگارش در ایران، می‌توان به‌طور کلی به اثر کوشا و طباطبایی لطفی (Kousha & Swales, 2015) اشاره کرد. به‌ویژه در زمینه بررسی چکیده‌ها بر اساس الگوهای گوناگون تحلیلی می‌توان آثار زند و کیلی و زند و کیلی (Zand-vakili & Zand-vakili, 2012)، حسرتی و همکاران (Hasrati, et al., 2010)، جلیلی‌فر و وحید دستجردی (Jalilifar & Vahid, 2010)، طالبی‌نژاد و همکاران (Talebinezhad et al., 2012)، اکبری و همکاران (Akbari et al., 2014) و علوی و قاسمی (Alavi & Ghasemi, 2014) را نام برد.

کوشا و طباطبایی لطفی (Kousha & Tabatabaee Lotfi, 2015) با بررسی مقابله‌ای نظام ساماندهی مطالب در انشاهای پنج پاراگرافی دانشجویان ایرانی دریافتند که نوشته‌های آن‌ها اغلب

¹ Move analysis

خواننده- مسئول بوده‌است. همچنین در این انشاءها کشف پیوند میان مطالب با ایده اصلی، بر عهده خواننده بوده‌است (Kousha & Tabatabaee Lotfi, 2015). زند و کیلی و زند و کیلی (-Zand vakili & Zand-vakili, 2012) با به کارگیری مدل هایلند (Hyland, 2007) و سویلز (Swales, 1990) به بررسی چکیده و مقدمه ده مقاله چاپ شده در مورد ساختار بلاغی ژانرها و زیر ژانرها^۱ در حوزه زبان‌شناسی پرداختند. یافته‌های پژوهش آنها نشان‌دهنده برخی تفاوت‌های برجسته میان چکیده‌های انگلیسی و فارسی بود (Zand-vakili & Zand-vakili, 2012). حسرتی و همکاران (Hasrati, et al., 2010) به بررسی ۳۵ چکیده مقالات پژوهشی فارسی پرداختند که به وسیله گویشوران فارسی زبان نوشته شده بودند. آنها دریافتند که الگوی «مقدمه، روش، بحث و نتیجه‌گیری» در بیشتر چکیده‌های مورد بررسی آنها به چشم نمی‌خورد. ویژگی دیگر چکیده‌های مقاله‌های ایرانی، استفاده نکردن از ضمیر اول شخص بود (Hasrati, et al., 2010). در پژوهشی دیگر، جلیلی‌فر (Jalilifar, 2009) به بررسی مقابله‌ای ۵۵ چکیده انگلیسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری نوشته شده گویشوران انگلیسی، فارسی و زبان‌های دیگر در هفت رشته دانشگاهی پرداخت. وی می‌خواست نشان دهد تا چه میزان آموزش مستقیم ریز ساختارها^۲ و درشت ساختارهای^۳ متن، می‌تواند در نگارش چکیده تأثیرگذار باشد (Jalilifar, 2009). علوی و قاسمی (Alavi & Ghasemi, 2014) نیز با بررسی تطبیقی، به تجزیه و تحلیل مرحله‌ای چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد رشته‌های آموزش زبان انگلیسی و ادبیات زبان انگلیسی پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که تفاوت آشکاری در کاربرد مرحله‌ها و فراوانی آنها میان چکیده‌های نوشته شده در این دو رشته وجود دارد (Alavi & Ghasemi, 2014).

پژوهش‌های مورد اشاره، همگی به بررسی نحوه نگارش چکیده‌ها در مقاله‌ها یا پایان‌نامه‌ها پرداخته‌اند. هر چند آثار مورد اشاره، بستر لازم را برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه مقاله‌نویسی در ایران فراهم آورده‌اند، اما به نظر می‌رسد هنوز تحلیل‌های مقایسه‌ای به‌ویژه در حوزه میان‌رشته‌ها به تفکیک دانشکده، ضرورت دارد. بنابراین، در این مقاله، چکیده‌های مقاله‌های مستخرج از طرح‌های دانشگاهی به تفکیک دانشکده و به صورت غیر تصادفی (۱۵ نفر دانشکده علوم پایه؛ ۱۵ نفر دانشکده علوم پزشکی؛ ۳۰ نفر علوم انسانی) گردآوری شدند. این چکیده‌ها بر اساس مدل تحلیل مرحله‌ای دادلی ایوانز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف از این بررسی، پی بردن به این مسئله بود که آیا بر اساس مدل تحلیل مرحله‌ای دادلی ایوانز، چکیده‌های مقالات مستخرج از

¹ sub-genre

² micro-structure

³ macro-structure

طرح‌های پژوهشی دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی مشتمل بر مراحل توصیف شده هستند. دیگر اینکه، آیا بر اساس مدل تحلیل مرحله‌ای دادلی ایوانز، تفاوتی میان مراحل چکیده‌های مقالات مستخرج از طرح‌های پژوهشی دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی وجود دارد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

عامل مهم در تعریف ژانر، مفهوم جامعه گفتمانی^۱ است. سویلز (Swales, 1990)، به معرفی شش ویژگی جامعه گفتمانی پرداخته است. به باور وی یک جامعه گفتمانی از مجموعه هدف‌های کلان مشترکی برخوردار است؛ دارای ساز و کارهای ارتباطی میان اعضاست؛ از ساز و کارهای عملیاتی خود برای ارائه بازخورد بهره می‌برد؛ در ابتدا، ژانر خاصی را به کار می‌گیرد، سپس از یک یا چند ژانر برای گسترش هدف‌های ارتباطی خود بهره می‌برد، واژگان تخصصی دارد و مشتمل بر یک سطح آستانه از اعضاء است که مشتمل بر درجه‌ای از دانش و تجربه گفتمانی هستند (Swales, 1990). جونز (Johns, 1997) گونه‌های خاصی از دانش ژانری که میان اعضای یک جامعه گفتمانی مشترک است را بر می‌شمارد. این گونه‌ها مشتمل بر نام مشترک، اهداف ارتباطی مشترک، دانش مشترک نسبت به نقش‌ها، دانش مشترک نسبت به بافت یا موقعیت، سیاق^۲ مشترک، و موارد مشابه هستند. این دانش مشترک، تفاهم دوجانبه‌ای را مابین اعضای یک جامعه گفتمانی فراهم می‌آورد (Johns, 1997, p. 20). به باور سویلز (Swales, 1990)، جامعه گفتمانی که اعضای آن از چنین دانش مشترکی برخوردار باشند، سبب خلق یک ژانر می‌شوند (Swales, 1990).

اعضای یک جامعه گفتمانی، لزوماً برای مشارکت در همه دانش مورد اشاره، در یک فاصله فیزیکی نزدیک به یک‌دیگر قرار ندارند. چه‌بسا ممکن است میان اعضای جامعه گفتمانی از جنبه نژادی، جغرافیایی و زبانی، فاصله قابل توجهی وجود داشته باشد. بنابراین جامعه گفتمانی با جامعه گفتاری^۳ تفاوت دارد. در جامعه گفتمانی، نیازهای گروه، روابط اجتماعی یا انسجام گروهی است. هر چند از جنبه کاربردی، جامعه گفتمانی از گروهی تشکیل شده است که پیوندهای میان آن‌ها برای دستیابی به هدف‌هایی است که بر روابط اجتماعی و انسجام پیشی می‌گیرد (Swales, 1990).

¹ discourse community

² register

³ speech community

یکی از نخستین رویکردها در توصیف تنوع کاربرد زبان در قالب سیاق ارائه شده است. واژه تخصصی «سیاق» در ابتدا به وسیله رید^۱ در سال ۱۹۵۶ به کار گرفته شد و سپس توسط هلیدی و همکاران (Halliday et al., 1964) گسترش یافت. آن‌ها، سیاق را به عنوان «گونه‌ای از کاربرد» در نظر گرفتند، به گونه‌ای که «هر گویشور، از طیفی از گونه‌های زبانی برخوردار است و در موقعیت‌های گوناگون از میان آن‌ها گزینش می‌کند» (Halliday et al., 1964, p. 10).

تحلیل دستوری-بلاغی^۲، تحول دیگری در توصیف زبان است. سلینکر و همکاران (Selinker et al., 1973) نشان دادند که هدف از این تحلیل، بررسی رابطه میان ساختار دستوری و کاربرد بلاغی در نوشتار انگلیسی، مربوط به حوزه علوم و فناوری است. آن‌ها به این نتیجه دست یافتند که هر چند گزینش زمان^۳ در دستور عمومی زبان انگلیسی، وابسته به مفهوم زمان^۴ است، اما در متون انگلیسی مربوط به حوزه علوم وابسته به مفهوم میزان عمومیت^۵ وابسته است. جالب‌ترین جنبه پژوهش‌های این گروه، کشف این نکته است که چگونه ویژگی‌های زبانی خاص، دارای ارزش‌های محدود در ساختار بندی ارتباطات علمی می‌شوند (Selinker et al., 1973). تحلیل گفتمان، به عنوان تعامل سومین سطح از توصیف زبان است. اگر تحلیل گرامری-بلاغی را گفتمان نویسنده-محور^۶ در نظر بگیریم، گفتمان تعاملی را باید گفتمان خواننده-محور^۷ به شمار آوریم. باتیا (Bhatia, 1993) می‌نویسد تحلیل تعامل، به دلیل فایده‌ای که در پیشبرد نظریه و کاربرد تحلیل گفتمان داشته، ارزشمند است. این فایده از طریق برجسته نمودن ماهیت تعاملی گفتمان و نیز تمرکز بر مفهوم ساختار بندی^۸ در کاربرد زبان به دست آمده است (Bhatia, 1993, p. 10).

بررسی‌های گوناگونی در پیوند با جنبه‌های گوناگون ژانر مقاله‌های پژوهشی انجام شده است. این پژوهش‌ها، با استفاده از نوعی «تحلیل مرحله‌ای»، اطلاعات لازم و کافی در مورد ساختار بلاغی بخش‌های جداگانه مقاله‌های پژوهشی در رشته‌های مختلف فراهم می‌آورند. بررسی‌های مورد اشاره در زمینه چکیده، مقدمه و نتیجه‌گیری مقاله‌ها براساس چارچوب تحلیلی سویلز (Swales, 1990) و دیگر کنش‌های پژوهشی در زمینه تحلیل مرحله‌ای انجام شده است که در گسترش اهمیت و درک نسبت به چگونگی نگارش مقاله‌های پژوهشی بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. در

¹ T. B. Reid

² grammatical-rhetorical analysis

³ tense

⁴ time

⁵ degree of generality

⁶ writer-responsible

⁷ reader-responsible

⁸ structuring

این راستا، «مرحله» به عنوان واژه‌ای تخصصی در تحلیل گفتمان به کار گرفته می‌شود که برای توصیف بخش‌های جداگانه یک داد و ستد، در تحلیل مکالمه استفاده شده‌است (Selinker & Coulthard, 1975). اسکلتن (Skelton, 1994) بر این باور است که تعیین هر مرحله، وابسته به کاربرد بلاغی متن و اطمینان از وجود صورت‌های زبانی ویژه و نشان‌دهنده آن کاربرد است (Skelton, 1994). در صورتی که چنین الگویی وجود داشته باشد، مرحله بلاغی مورد نظر به اثبات می‌رسد. اینکه یک مرحله، توصیفی از ویژگی یک ژانر ویژه باشد یا نه، قضاوتی است که باید به وسیله تحلیلگران و با بهره‌گیری از معیارهای ویژه‌ای انجام پذیرد. همچنین این امکان وجود دارد که در مورد برخی عوامل شناسایی شده تغییراتی اختیاری وجود داشته باشد.

تحلیل مرحله‌ای به عنوان یک رویکرد کل‌به‌جزء^۱ ایجاد شد (که در آن تمرکز بر روی معنا و ایده‌ها) به منظور تحلیل ساختار گفتمانی متن‌های یک ژانر است. متن، به عنوان مجموعه‌ای از مرحله‌ها توصیف می‌شود. هر مرحله بیانگر بخشی از متن است که دلالت بر کاربرد ارتباطی (معنایی) ویژه‌ای دارد. تحلیل، با ایجاد یک چارچوب تحلیلی، شناسایی و توصیف انواع مرحله‌های موجود در ژانر آغاز می‌شود (Swales, 1990).

از میان مدل‌های شناخته‌شده در تحلیل مراحل چکیده‌ها، می‌توان به دو استاندارد ایزو (ISO, 214, p. 1976) و آنسی نیز (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39)، مدل سه مرحله‌ای سویلز (Swales, 1990)، و مدل شش مرحله‌ای دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) اشاره کرد. در ادامه، هریک از این مدل‌ها به شیوه مختصر شرح داده می‌شوند. استاندارد چکیده‌نویسی ایزو (ISO, 214, p. 1976) به وسیله موسسه بین‌المللی استانداردسازی تهیه شده‌است؛ استاندارد چکیده‌نویسی آنسی/نیزو (ISO, 1976, p. 14 & 39) نیز به وسیله کمیته استانداردهای سازمان ملی استاندارد اطلاعات آمریکا نیز تنظیم می‌شود. این دو استاندارد از پنج مرحله اصلی تشکیل شده‌اند که به ترتیب مشتمل بر هدف، روش‌شناسی، یافته‌ها، نتیجه‌گیری، و اطلاعات ثانوی هستند. در هیچ‌یک از این استانداردها، به زیرمرحله جداگانه‌ای اشاره نشده‌است.

مدل دیگر، از آن سویلز (Swales, 1990) است. او بر مدل شناخته‌شده «خلق حوزه تحقیق»^۲ تأکید داشت و به این ترتیب، مدل چهارمرحله‌ای اولیه خود را ویرایش نموده و آن را به مدلی سه مرحله‌ای به شرح زیر دگرگون ساخت:

¹ Top-down

² Create a Research Space model (the CARS model)

مرحله نخست: استقرار دامنه

زیرمرحله ۱ ← ادعای محوریت موضوع پژوهش

زیرمرحله ۲ ← عمومیت‌بخشیدن موضوع پژوهش

زیرمرحله ۳ ← مرور موارد پیشینه ادبیاتی پژوهش

مرحله دوم: استقرار خلأ

زیرمرحله ۱ الف ← بیان ادعای مخالف

زیرمرحله ۱ ب ← نشان دادن خلأ

زیرمرحله ۱ ج ← طرح پرسش

زیرمرحله ۱ د ← استمرار خط‌مشی

مرحله سوم: پر کردن خلأ

زیرمرحله ۱ الف ← ارائه فهرستی از هدف‌های پژوهش

زیرمرحله ۱ ب ← شرح پژوهش حاضر

زیرمرحله ۲ ← ارائه یافته‌های اصلی

زیرمرحله ۳ ← شرح ساختار مقاله پژوهشی

او مرحله‌های اول و دوم مدل اولیه را با یکدیگر ترکیب نمود و آن را مرحله «استقرار دامنه» نامید. با استفاده از این مدل، سویلز (Swales, 1990) دشواری که در مدل اولیه خود در تشخیص دو مرحله نخست وجود داشت را از بین برد (Bhatia, 1993).

مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، در مقایسه با مدل سویلز (Swales, 1990) از جزئیات مرحله‌ای بیشتری برخوردار است. برجسته‌ترین تفاوت میان مدل شش مرحله‌ای دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) و مدل چهار مرحله‌ای سویلز (Swales, 1990)، تلاش برای تعیین حوزه پژوهش پایان‌نامه است. در مدل دادلی-ایوانز، نگارندگان به طور کلی از دامنه به سمت موضوعی کلی و همچنین موضوعی ویژه حرکت می‌کنند. یکی از تفاوت‌های اصلی میان این دو مدل آن است که در نخستین مرحله، ایجاد دامنه در ساختار شش مرحله‌ای دادلی-ایوانز، نسبت به مدل سه مرحله‌ای سویلز ممکن است، حجیم‌تر به نظر برسد. در مدل سویلز، ایجاد دامنه یک مرحله به شمار می‌رود، در حالی که در مدل دادلی-ایوانز، ایجاد دامنه در سه مرحله محقق می‌شود. یکی از علت‌های این امر، آن است که در پایان‌نامه و رساله، مقدمه به خوبی توضیح داده می‌شود و در مقایسه با مقدمه مقاله‌های پژوهشی بلندتر به نظر می‌رسد. این امر، به منظور گنجانیدن پیشنهاد انجام می‌شود. گاهی، مقدمه مقاله‌های پژوهشی نیز طولانی است که متأسفانه این موارد بسیار رایج نیستند (Bhatia, 1993).

همان گونه که گفته شد، الگوی دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) از شش مرحله تشکیل شده است که برخی دارای زیرمرحله‌هایی هستند. نسخه ترجمه شده این الگو در زیر ارائه شده است:

جدول ۱: الگوی تحلیل مرحله‌ای دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)

مرحله ۱	معرفی حوزه؛
مرحله ۲	معرفی موضوع کلی (در حوزه مورد اشاره)؛
مرحله ۳	معرفی موضوع ویژه (در چارچوب موضوع کلی مورد اشاره)؛
مرحله ۴	تعیین دامنه موضوع ویژه با استفاده از:
زیر مرحله ۱	معرفی ویژگی‌های پژوهش؛ و / یا
زیر مرحله ۲	ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین؛
مرحله ۵	زمینه‌چینی برای پژوهش حاضر به وسیله:
زیر مرحله ۱	اشاره به خلاء موجود در پژوهش‌های پیشین؛ و / یا
زیر مرحله ۲	اشاره به چگونگی امکان ادامه پژوهش‌های پیشین؛
مرحله ۶	معرفی پژوهش حاضر به وسیله:
زیر مرحله ۱	بیان هدف پژوهش؛ و
زیر مرحله ۲	توصیف مختصر فرایند انجام پژوهش؛ و
زیر مرحله ۳	توجیه انجام پژوهش.

۳. روش پژوهش

شرکت کنندگان پژوهش حاضر، اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه/پزشکی بودند که از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۳ در دانشگاه آزاد اسلامی طرح پژوهشی اجرا کرده بودند. سپس مقاله‌ای را از طرح خود در یکی از مجله‌های مورد تأیید دانشگاه - مجله‌های داخلی و خارجی، به چاپ رسانده بودند. تعداد افراد منتخب هر گروه ۳۰ نفر بود. انتخاب افراد به صورت غیر تصادفی و بر پایه در دسترس بودن آن‌ها انجام شد. لازم به اشاره است که این ۳۰ نفر منتخب از دانشکده علوم پایه/پزشکی، مشتمل بر ۱۵ نفر از دانشکده علوم پایه و ۱۵ نفر از دانشکده علوم پزشکی بودند.

بیکره مورد بررسی در این پژوهش، مشتمل بر ۶۰ چکیده مقاله‌های چاپ شده مستخرج از طرح‌های پژوهشی بود که به وسیله اعضای هیئت علمی دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه/پزشکی در دانشگاه اجرا شده بودند. ابزار پژوهش حاضر در تحلیل مرحله‌ای چکیده‌ها شامل

مدل تحلیل مرحله‌ای دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، معیار تشخیص مراحل چکیده‌ها و جدول کد گذاری مراحل مستخرج از چکیده‌ها بودند.

در انجام پژوهش، هر چکیده دو بار به وسیله هر یک از پژوهشگران بررسی شد و مراحل موجود در آن‌ها استخراج شد. بر پایه دیدگاه کانر و همکاران (Connor et al., 1999)، به سبب آنکه هر یک از مرحله‌ها کاربردی بلاغی دارند، معرفی موضوع‌های^۱ جدید و اشاره‌های واژگانی^۲ می‌تواند نمایانگر آغاز یک مرحله جدید باشد. تشخیص مرحله‌ها در متن، هم بر هدف بلاغی متن و هم به تقسیم‌بندی متن به واحدهای معنادار بر اساس شاخص‌های زبانی بستگی دارد. این شاخص‌ها از نشانگرهای گفتمانی^۳ (ادات وصل^۴ و دیگر نشانگرهای فرا-متنی^۵)، موضوعات علامت گذاری شده، زمان، تغییر علائم ارتباطی یا تغییر نگرش نویسنده و ارائه مراجع واژگانی جدید تشکیل شده‌اند. همچنین، شناسایی و شمارش جمله‌های کامل، جمله‌های پایه، جمله‌های پیرو و دیگر ساختارهای غیر جمله‌ای که به جمله‌ها پیوست شده‌اند یا در درون آن جای گرفته‌اند، می‌توانند در تجزیه متن و تشخیص مراحل به کار آیند. زیرا این عمل در شناسایی نقطه‌های تغییر موضوع کمک می‌کند. بررسی مقوله‌های واژگانی نیز می‌تواند در شناسایی مرحله‌ها به کار آید (Connor et al., 1999).

بر پایه راهکارهای اشاره‌شده، علوی و قاسمی (Alavi & Ghasemi, 2014) برای تشخیص مرحله‌ها و زیرمرحله‌ها، جدول (۲) را به عنوان معیاری برای تشخیص مرحله‌ها، طراحی نموده‌اند:

جدول ۲: معیار تشخیص مرحله‌ها، علوی و قاسمی (Alavi & Ghasemi, 2014)

توصیف نشانگرهای بارز برای تشخیص مرحله‌ها و زیر مرحله‌ها		
section boundaries	مرز مابین قسمت‌ها	۱
paragraph divisions	تقسیم‌بندی‌های پاراگرافی	۲
Subheadings	زیرعنوان‌ها	۳
introduction of new theme	معرفی موضوع جدید	۴
lexical references	ارجاع‌های واژگانی	۵
T-units	جمله‌های کامل	۶

¹ themes

² lexical references

³ discourse markers

⁴ connectors

⁵ meta-textual signals

در این پژوهش همچنین، برای تشخیص و استخراج مرحله‌های چکیده‌ها، جدول ابداعی علوی و قاسمی (Alavi & Ghasemi, 2014) که در بالا به آن اشاره شد، مورد استفاده قرار گرفت. فاصله بین هر مرتبه از استخراج مرحله‌ها، دو هفته بود تا ضریب اطمینان از غیر انتزاعی بودن استخراج مرحله‌ها بالاتر رود. لازم به اشاره است که استخراج مرحله‌ها به وسیله هر یک از پژوهشگران، به صورت جداگانه انجام شد تا عملکرد آن‌ها مستقل باشد و از تحلیل یک‌دیگر تأثیر نپذیرد. در مواردی که مابین پژوهشگران، توافقی در مورد تعداد و نوع مرحله‌های استخراج شده وجود نداشت، تصمیم نهایی بر پایه دیدگاه معرجی طرح گرفته شد. مواردی که توافق وجود نداشت، بسیار اندک بودند. پس از استخراج مراحل موجود در چکیده، گام بعدی، تعیین آزمون آماری مناسب برای تحلیل داده‌ها بود. در این زمینه، اشاره به نکته‌هایی قابل توجه است:

برای یافتن پاسخ به پرسش‌های پژوهش، آزمون غیر پارامتریک من ویتنی یو^۱ به کار گرفته شد. زیرا مرحله‌ها و زیرمرحله‌های استخراج شده چکیده‌ها در قالب مقیاس اسمی^۲ بین دو گروه مستقل از هم به عنوان متغیرهای غیر نسبی^۳ کدگذاری شدند. لازم به اشاره است که آزمون من ویتنی یو، یک آزمون ناپارامتری است که به بررسی تفاوت بین دو گروه مستقل در پیوند با یک متغیر با داده‌های رتبه‌ای یا ترتیبی می‌پردازد. در واقع، این آزمون معادل ناپارامتری آزمون تی مستقل^۴ است؛ با این تفاوت که آزمون از نوع پارامتری و داده‌های آن از نوع پیوسته است. این در حالی است که آزمون من ویتنی یو از نوع ناپارامتری بوده و با داده‌های رتبه‌ای انجام می‌گیرد.

۴. یافته‌ها

تحلیل‌های آماری به کاررفته در ارزیابی و تعیین تفاوت‌های میان مرحله‌های موجود در چکیده‌های مقالات طرح‌های پژوهشی دانشکده علوم پایه/پزشکی و دانشکده علوم انسانی (صرف نظر از محاسبه میزان روایی بینامصحیحی) به قرار زیرند:

- یافتن تفاوت‌های میان مرحله‌های موجود در دو متغیر با آزمون غیر پارامتریک من ویتنی

یو

- تعیین فراوانی مرحله‌های موجود در چکیده‌ها با روش تحلیل توصیفی
- محاسبه درصد توالی مرحله‌های موجود در چکیده‌ها با روش تحلیل توصیفی

¹ Mann-Whitney U Test

² nominal scale

³ categorical

⁴ independent t-test

در جدول (۳)، مرحله‌های یافت‌شده در چکیده‌ها بر اساس توالی مرحله‌ها و درصد کاربرد آن‌ها نمایش داده شده‌است. توالی مرحله‌ها در جدول (۳)، بر اساس بیشترین تا کمترین درصد رخداد آن‌ها مرتب شده‌است.

جدول ۳: تحلیل توصیفی توالی مرحله‌های یافت‌شده در چکیده‌ها

توالی مرحله‌ها							نوع مرحله‌ها
		۲ز/۶م	۱ز/۶م	۲م	۳م	۱م	اولین مرحله
		%۵	%۶,۷	%۱۶,۷	%۳۰	%۴۱,۷	
۱ز/۵م	۲ز/۴م	۳ز/۶م	۱ز/۶م	۲ز/۶م	۳م	۲م	دومین مرحله
%۱,۷	%۱,۷	%۶,۷	%۱۳,۳	%۱۶,۷	%۲۵	%۳۵	
۲ز/۴م	۱ز/۴م	۱ز/۵م	۳ز/۶م	۱ز/۶م	۲ز/۶م	۳م	سومین مرحله
%۱,۷	%۱,۷	%۳,۳	%۱۱,۷	%۱۸,۳	%۲۳,۳	%۳۵	
	۱ز/۵م	۲ز/۴م	۳م	۲ز/۶م	۳ز/۶م	۱ز/۶م	چهارمین مرحله
	%۱,۷	%۱,۷	%۵	%۱۸,۳	%۲۶,۷	%۳۰	
				۱ز/۶م	۳ز/۶م	۲ز/۶م	پنجمین مرحله
				%۸,۳	%۱۸,۳	%۲۸,۳	
			۳م	۲ز/۴م	۲ز/۶م	۳ز/۶م	ششمین مرحله
			%۱,۷	%۱,۷	%۸,۳	%۲۶,۷	
						۳ز/۶م	هفتمین مرحله
						%۶,۷	
						۲ز/۶م	هشتمین مرحله
						%۱,۷	
						۳ز/۶م	نهمین مرحله
						%۱,۷	

یافته‌های جدول (۳)، نشان‌دهنده درصد رخداد هر یک از مرحله‌ها در جایگاه‌های گوناگون در چکیده‌های مورد بررسی است.

به منظور بررسی تفاوت‌های میان مرحله‌های موجود در چکیده‌ها از آزمون غیر پارامتریک من‌ویتنی‌یو استفاده شده‌است. یافته‌های به‌دست‌آمده از این بررسی در جدول (۴) ارائه شده‌است.

جدول ۴: آزمون من ویتنی یو و تفاوت‌های میان مرحله‌های یافت‌شده در دو متغیر

مدل دادلی-ایوانز	نوع مرحله	دانشکده	تعداد	رتبه میانه ^۱	جمع رتبه‌ها ^۲	من ویتنی یو	Z	معیار تصمیم ^۳
معرفی حوزه	۱م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۰,۰۰	۹۰۰,۰۰	۴۳۵,۰۰۰	-۰,۲۶۰	.۷۹۵
		علوم انسانی	۳۰	۳۱,۰۰	۹۳۰,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
معرفی موضوع کلی	۲م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۳,۵۰	۱۰۰۵,۰۰	۳۶۰,۰۰۰	-۱,۵۴۰	.۱۲۴
		علوم انسانی	۳۰	۲۷,۵۰	۸۲۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
معرفی موضوع ویژه	۳م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۰,۰۰	۹۰۰,۰۰	۴۳۵,۰۰۰	-۰,۵۸۷	.۵۵۷
		علوم انسانی	۳۰	۳۱,۰۰	۹۳۰,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
معرفی ویژگی‌های پژوهش	۱م/۴م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۰,۰۰	۹۰۰,۰۰	۴۳۵,۰۰۰	-۱,۰۰۰	.۳۱۷
		علوم انسانی	۳۰	۳۱,۰۰	۹۳۰,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین	۲م/۴م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۲۹,۵۰	۸۸۵,۰۰	۳۹۰,۰۰۰	-۱,۷۰۷	.۰۸۸
		علوم انسانی	۳۰	۳۱,۵۰	۹۴۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
اشاره به خلاء موجود در پژوهش‌های پیشین	۱م/۵م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۲۹,۵۰	۸۸۵,۰۰	۴۲۰,۰۰۰	-۱,۰۲۶	.۳۰۵
		علوم انسانی	۳۰	۳۱,۵۰	۹۴۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
اشاره به چگونگی امکان ادامه پژوهش‌های پیشین	۲م/۵م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۰,۵۰	۹۱۵,۰۰	۴۵۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰
		علوم انسانی	۳۰	۳۰,۵۰	۹۱۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
بیان هدف پژوهش	۱م/۶م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۰,۵۰	۹۱۵,۰۰	۴۵۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۱,۰۰۰
		علوم انسانی	۳۰	۳۰,۵۰	۹۱۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
توصیف مختصر فرایند انجام پژوهش	۲م/۶م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۴,۵۰	۱۰۳۵,۰۰	۳۳۰,۰۰۰	-۲,۷۴۸	**۰.۰۰۶
		علوم انسانی	۳۰	۲۶,۵۰	۷۹۵,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					
توجه انجام پژوهش	۳م/۶م	علوم پایه/پزشکی	۳۰	۳۴,۰۰	۱۰۲۰,۰۰	۳۴۵,۰۰۰	-۲,۷۹۱	**۰.۰۰۵
		علوم انسانی	۳۰	۲۷,۰۰	۸۱۰,۰۰			
		تعداد کل	۶۰					

¹ Mean Rank

² Sum of Ranks

³ Asymp. Sig. (2-tailed)

۲۱۶ / مقایسه مراحل در چکیده‌های مقاله‌های رشته‌های علوم انسانی و پایه/پزشکی بر پایه مدل دادلی ایوانز

جدول (۴)، نشان می‌دهد که بین مرحله «۲/۶» و مرحله «۳/۶» چکیده‌ها، تفاوت آشکاری وجود دارد. این در حالی است که تفاوت ویژه‌ای میان مرحله‌های «۱»، «۲»، «۳»، «۴/۱»، «۴/۲»، «۵/۵»، «۱/۲» و «۶/۶» وجود ندارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این قسمت، یافته‌های پژوهش مورد بحث قرار خواهد گرفت. یادآور می‌شویم که پژوهش حاضر، بر آن بوده‌است تا میزان برخورداری از مرحله‌ها و همچنین تفاوت میان مرحله‌های چکیده مقاله‌های برگرفته از طرح‌های پژوهشی دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی را بر اساس مدل تحلیل مرحله‌ای دادلی ایوانز (Dudley-Evans, 1989) مورد بررسی قرار دهد.

۵.۱. تحلیل درون‌دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله‌ی اول در چکیده‌ها

نخستین مرحله مدل پیشنهادی دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، «معرفی حوزه» است. یافته‌های پژوهش حاضر در جدول‌های بخش (۴)، نشان‌دهنده آن است که این مرحله در کمتر از نیمی (۴۱,۷٪) از چکیده‌های هر دو دانشکده علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی به چشم می‌خورد. از این جهت، تفاوت معناداری مابین چکیده‌های دانشکده‌ها وجود نداشت (Sig.: ۰/۷۹۵). بنابراین، بیش از نیمی از چکیده‌ها، بدون اشاره به معرفی حوزه پژوهش، نگارش شده بودند. علاوه بر این، در تمامی موارد، اشاره به مرحله در جایگاه اصلی خود، یعنی نخستین مرحله صورت گرفته بود.

۵.۲. تحلیل درون‌دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله دوم در چکیده‌ها

مرحله دوم، مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) به معرفی موضوع کلی در حوزه مورد اشاره می‌پردازد. یکی از بهترین الگوهای که می‌توان با استفاده از آن مشخصه‌های مرحله (۲) را تشخیص داد، الگوی موقعیت، مسئله، پاسخ، ارزیابی^۱ هوی (Hoey, 1983) است. در این الگو، مرحله موقعیت، بخشی است که نویسنده در آن بستر موضوع خود را می‌گستراند و به نکته‌هایی مانند زمان، مکان، افراد و موارد مشابه اشاره می‌نماید. مرحله موقعیت، در الگوی هوی (Hoey, 1983) در سه مرحله در الگوی دادلی-ایوانز، به صورت یک هرم که قاعده آن در بالا قرار دارد، جزئی‌تر و ویژه‌تر می‌گردد. بنابراین تفاوت بین مرحله (۱) و (۲) در الگوی دادلی-ایوانز، طرح نکته‌های اشاره‌شده به صورت ویژه‌تر در مرحله دوم است. چنان‌که یافته‌های این پژوهش نشان داد، مرحله دوم در بیش از نیمی (۵۳,۳ درصد) از چکیده‌های دانشکده‌ها به چشم می‌خورد. مقایسه

¹ situation, problem, evaluation, solution

عملکرد نویسندگان دانشکده‌های گوناگون نشان داد که تفاوت معناداری در پیوند با این مرحله بی‌نشان وجود ندارد (Sig.: ۰/۱۲۴). در مرحله دوم مابین ۵۳ درصد از داده‌ها، ۳۵ درصد از چکیده‌ها به جایگاه مرحله دوم یا همان جایگاه ارائه شده در مدل ایوانز اشاره کرده بودند و ۱۶,۷ درصد از چکیده‌ها جایگاه مرحله سوم را مورد توجه قرار داده بودند. این نکته نشان می‌دهد که نویسندگان چکیده‌ها اغلب توجهی به نام بردن، این مرحله نشان نمی‌دهند؛ اما در صورت توجه به آن، به جایگاه رایج آن اشاره نمی‌کردند.

۳.۵. تحلیل درون دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله سوم در چکیده‌ها

دادلی - ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، سومین مرحله الگوی خود را «معرفی موضوع ویژه (در چارچوب موضوع کلی مذکور)» نامیده‌اند. مرحله سوم، نیز همانند مرحله نخست و دوم، از مراحل اصلی است که نویسندگان در آن‌ها به استقرار حوزه پژوهش خود می‌پردازد. هر چند در این مرحله، موضوع به طور کامل محدود شده و از وضعیت کلی بودن خارج می‌شود. این مرحله، تقریباً در تمامی (۹۵ درصد) چکیده‌های منتخب هر دو دانشکده علوم پایه/ پزشکی و علوم انسانی مشاهده شد. بنابراین، تفاوت معناداری از این جنبه، میان چکیده‌های دانشکده‌ها مشاهده نشد (Sig.: ۰/۵۵۷). اشاره به مرحله سوم در ۳۰ درصد از چکیده‌ها در جایگاه نخست، در ۲۵ درصد از چکیده‌ها در جایگاه دوم و در ۳۵ درصد در جایگاه سوم به این معناست که جایگاه اصلی در نظر گرفته شده بر پایه مدل دادلی - ایوانز (Dudley-Evans, 1989) بوده‌است.

در این جا لازم است یافته‌های مرتبط با سه مرحله اول جمع‌بندی شوند. زیرا می‌توان دریافت که درصد بالایی از چکیده‌ها به گونه‌ای با معرفی موضوع مورد بحث آغاز شده‌اند. این در حالی است که این امر به ندرت با استفاده از هر سه مرحله نخست یعنی «معرفی حوزه»، «معرفی موضوع کلی در حوزه» و «معرفی موضوع ویژه در چارچوب موضوع کلی» انجام شده‌است. یافته‌های ارائه شده در جدول (۴)، در پیوند با توالی مرحله‌ها، نمایانگر این نکته است که در ۸۸,۴ درصد از چکیده‌ها یکی از این سه مرحله به عنوان مرحله اول به کار گرفته شده‌است.

چنانچه یافته‌های به دست آمده با مدل سویلز (Swales, 1990) بررسی و تحلیل شوند، می‌توان ادعا کرد که بیشتر نویسندگان چکیده‌ها در مطالعه حاضر معتقدند چکیده باید با توجه به استقرار حوزه پژوهش آغاز شود. هر چند این شیوه نگارش چکیده با رهنمودهای دو استاندارد ایزو (ISO, 1976, p. 214) و (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) تفاوت دارد. زیرا در هر دو این استانداردها، چکیده با اشاره به هدف آغاز می‌شود، در حالی که آوردن هدف پژوهش در مدل

دادلی-ایوانز در زیر مرحله نخست مرحله ششم قرار دارد و در مدل سویلز (Swales, 1990) در زیر مرحله نخست مرحله سوم انجام می‌شود.

۵. ۴. تحلیل درون‌دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله چهارم در چکیده‌ها

مرحله چهارم در مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، «تعیین دامنه موضوع ویژه» نام گرفته است. این مرحله، خود مشتمل بر دو زیر مرحله «معرفی ویژگی‌های پژوهش» و یا «ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین» است. بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، زیر مرحله نخست مرحله چهارم فقط در ۱,۷ درصد از چکیده‌ها مشاهده شد و از این جنبه تفاوت معناداری مابین چکیده‌های منتخب دانشکده‌های مورد بررسی وجود نداشت (Sig.: ۰/۳۱۷). فراوانی زیر مرحله دوم، اندکی بیشتر از زیر مرحله نخست بود (۱۰ درصد)، اما همچنان تفاوت معناداری از این جنبه مابین دانشکده‌ها مشاهده نشد (Sig.: ۰/۰۸۸).

در مدل سویلز این مرحله همچنان جزء مرحله نخست، یعنی مرحله استقرار حوزه پژوهش به شمار می‌رود. از سوی دیگر، در دو استاندارد ایزو (ISO, 1976, p. 214) و آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) نیازی به اشاره به این مرحله نیست. در استاندارد آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) اشاره به پژوهش‌های پیشین فقط زمانی پیشنهاد می‌شود که در تبیین هدف پژوهش حاضر سودمند باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد نویسندگان در پیوند با «معرفی ویژگی‌های پژوهش» و/یا «ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین» بیشتر همسو با شیوه‌نامه چکیده‌نویسی دو استاندارد مورد اشاره بوده است تا مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) یا سویلز (Swales, 1990).

۵. ۵. تحلیل درون‌دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله پنجم در چکیده‌ها

دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) در مدل خود مرحله پنجم را «زمینه‌چینی برای پژوهش حاضر» نام نهاده است. آن‌ها برای این مرحله، دو زیر مرحله «اشاره به خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین» و یا «اشاره به چگونگی امکان ادامه پژوهش‌های پیشین» در نظر گرفته‌اند. زیر مرحله نخست فقط در ۶,۷ درصد از چکیده‌های مورد مطالعه مشاهده شد. در حالی که زیر مرحله دوم در چکیده هیچ یک از دانشکده‌ها به کار نرفته بود. به‌طور کلی، تفاوت معناداری در پیوند با زیر مرحله نخست (Sig.: ۰/۳۰۵) و زیر مرحله دوم (Sig.: ۱/۰۰۰) مشاهده نشد. زیر مرحله دوم که در موارد بسیار محدودی از چکیده‌ها مشاهده شده بود، در جایگاه مرحله دوم (۱,۷ درصد)، سوم (۳,۳ درصد) و چهارم (۱,۷ درصد) آورده شده بود.

در مدل سویلز (Swales, 1990)، این مرحله «استقرار خلأ پژوهش» نام دارد؛ اما دو استاندارد ایزو (ISO, 1976, p. 214) و آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) جایگاهی برای این مرحله در نظر نگرفته‌اند. اگر چه استاندارد آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) به شیوه‌ی ضمنی، اشاره به پژوهش‌های پیشین را در صورت کمک به بیان هدف تحقیق حاضر روا می‌شمرد. بنابراین، چکیده‌های مورد بررسی در این تحقیق از جنبه‌ی مرحله پنجم با دو استاندارد مورد اشاره سازگاری دارند، اما با دو مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) و سویلز (Swales, 1990) همخوانی ندارند.

۶.۵. تحلیل درون‌دانشکده‌ای و بینادانشکده‌ای مرحله ششم در چکیده‌ها

مرحله ششم در مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989)، با نام «معرفی پژوهش حاضر»، از طریق سه زیرمرحله تشکیل شده‌است. این زیرمرحله‌ها شامل «بیان هدف پژوهش»، «توصیف مختصر فرایند انجام پژوهش» و «توجیه انجام پژوهش» هستند. بر پایه یافته‌های پژوهش حاضر، هر سه زیرمرحله در چکیده‌های منتخب مشاهده شدند که درصد فراوانی آن‌ها به ترتیب ۷۰ درصد، ۸۳۰۳ درصد و ۸۸۰۳ درصد به دست آمد.

از جنبه اشاره به زیرمرحله اول، هیچ تفاوتی مابین چکیده‌های منتخب از دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی وجود نداشت (Sig.: ۱/۰۰۰). هر چند در زیرمرحله دوم و سوم عملکرد دانشکده‌ها تفاوت چشمگیری با یکدیگر داشتند. به این معنا که (Sig.: ۰/۰۰۶) برای «توصیف مختصر فرایند انجام پژوهش» و (Sig.: ۰/۰۰۵) برای «توجیه انجام پژوهش» به دست آمد. فراوانی این دو زیرمرحله در چکیده‌های دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی بیشتر از فراوانی آن‌ها در چکیده‌های علوم انسانی بود. به‌طور کلی، زیرمرحله دوم از مرحله ششم با نام «توصیف مختصر فرایند انجام پژوهش» در چکیده‌های علوم پایه/پزشکی فراوانی بیشتری داشت.

همچنین باید یادآور شد که زیرمرحله‌های مرحله ششم در تمامی قسمت‌های چکیده‌ها به صورت پی‌درپی قابل مشاهده بودند. به این معنا که در برخی چکیده‌ها، نخستین مرحله مورد اشاره بودند، در چکیده‌های دیگر دومین مرحله مورد اشاره، و به همین ترتیب به صورت پشت‌سرهم ادامه داشتند. درصد فراوانی پیاپی بودن این زیرمرحله‌ها در جدول (۳) ارائه شده‌است. فراوانی بالای زیرمرحله‌های مرحله ششم، هم با گام‌های اول تا سوم مرحله سه مدل سویلز (Swales, 1990) سازگاری دارد و هم با دستورالعمل‌های دو استاندارد چکیده‌نویسی ایزو (ISO, 1976, p. 214) و آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39).

۶. جمع‌بندی

به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که در پیوند با مرحله نخست، تفاوت معناداری مابین چکیده‌های دانشکده‌ها وجود نداشت. در واقع، بیش از نیمی از چکیده‌ها، به معرفی حوزه نپرداخته و در جایگاه اصلی خود یعنی نخستین مرحله ایجاد شده بود. در پیوند با مرحله دوم نیز تفاوت معناداری مابین دانشکده‌ها وجود نداشت. اگر چه نویسندگان چکیده‌ها اغلب گرایش نداشتند به این مرحله اشاره کنند؛ اما در صورت توجه به آن، این مرحله را در جایگاه رایج آن آورده بودند. از جنبه مرحله سوم، نیز تفاوتی میان چکیده‌های دانشکده‌ها وجود نداشت و اشاره به آن در جایگاه اصلی مورد نظر مدل دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) انجام شده بود. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بیشتر چکیده‌ها به گونه‌ای با معرفی موضوع مورد بحث آغاز شده بودند. این در حالی است که هر سه مرحله، یعنی «معرفی حوزه»، «معرفی موضوع کلی در حوزه» و «معرفی موضوع ویژه»، همراه با هم به عنوان مرحله نخست، در نظر گرفته شده بودند. مرحله چهارم، مشتمل بر «معرفی ویژگی‌های پژوهش» و یا «ارائه خلاصه‌ای از پژوهش‌های پیشین» بود. فراوانی زیرمرحله نخست مرحله چهارم اندک بود. از این جهت، تفاوت معناداری میان چکیده‌های دانشکده‌ها وجود نداشت. مرحله پنجم، شامل «اشاره به خلأ موجود در پژوهش‌های پیشین» و یا «اشاره به چگونگی امکان ادامه پژوهش‌های پیشین» بود. این مرحله، در موارد بسیار محدودی از چکیده‌ها مشاهده شد و از این جنبه تفاوت معناداری میان دانشکده‌ها وجود نداشت. در مرحله ششم، هیچ تفاوتی مابین آوردن زیر مرحله نخست در چکیده‌های منتخب از دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی و علوم انسانی مشاهده نشد. هر چند این چکیده‌ها در آوردن زیر مرحله دوم و سوم، تفاوت چشمگیری با هم داشتند. به این معنا که فراوانی این دو زیرمرحله در چکیده‌های دانشکده‌های علوم پایه/پزشکی بیشتر از فراوانی آن‌ها در چکیده‌های علوم انسانی بود. مجموع یافته‌های پژوهش حاضر، نشان‌دهنده آن است که چکیده‌نویسی طرح‌های پژوهشی و مقاله‌های دانشگاهی ایران بیشتر با استانداردهای جهانی ایزو (ISO, 1976, p. 214) و آنسی/نیزو (ANSI/NISO, 1979, p. 14 & 39) همسویی دارد تا مدل‌های تحلیل مرحله‌ای دادلی-ایوانز (Dudley-Evans, 1989) و سویلز (Swales, 1990). این همسویی با استانداردهای مورد اشاره به سبب آن است که چکیده‌نویس‌های ایرانی بیشتر گرایش دارند بی‌درنگ، چکیده‌ها را با اشاره به هدف پژوهش آغاز کنند. سپس به معرفی حوزه پژوهش، موضوع کلی و موضوع ویژه پژوهش را به خواندن خود پژوهش واگذار کنند. یا اینکه دست کم معتقدند که اشاره آشکار به موارد اشاره‌شده در چکیده لازم نیست و خواننده خود می‌تواند آن‌ها را به شیوه ضمنی دریافت نماید.

نکته دیگر آن است که در چکیده‌های دانشکده‌های علوم پایه / پزشکی بیشتر به فرایند انجام پژوهش صورت می‌گیرد تا در چکیده‌های دانشکده علوم انسانی. این نکته با یافته‌های طالبی نژاد و همکاران (Talebinezhad et al., 2012) همسویی دارد. آن‌ها در مطالعه ساختاری چکیده مقالات پزشکی ترجمه شده از فارسی به انگلیسی دریافتند که این چکیده‌ها در ارائه هر چهار قسمت مقدمه، روش کار، یافته‌ها و نتیجه‌گیری، عملکرد نزدیک‌تری به مدل سویلز (Swales, 1990) داشته‌اند. طالبی نژاد و همکاران (Talebinezhad et al., 2012) برای توجیه این یافته، عوامل گوناگونی را بر شمرده‌اند. از جمله این موارد می‌توان به آشنایی پژوهشگران ایرانی با شیوه‌نامه ارائه پژوهشی علمی در کارگاه‌های آموزش مقاله نویسی، تهیه راهنمای مقاله نویسی در مجله‌ها و بهره‌گیری از متخصصین علوم پزشکی با تجربه در ترجمه و یا نگارش مقاله‌های انگلیسی و هیئت تحریریه مجله‌های مربوطه اشاره کرد (Talebinezhad et al., 2012). با این وجود، در مطالعه حاضر، دلیل تفاوت بین چکیده‌های دانشکده‌های علوم پایه / پزشکی و علوم انسانی را می‌توان ملموس تر و عینی تر بودن پژوهش‌های تجربی به شمار آورد. به بیان دیگر، دلیل این امر را می‌توان پائین بودن درجه عینیت فرایندهای انجام پژوهش و انتزاعی تر بودن برخی از مرحله‌ها، مانند گردآوری داده‌ها یا سنجش آن‌ها در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی دانست. در نهایت برای اطمینان پیشنهاد می‌شود که این موضوع در پژوهش مستقل دیگری مورد بررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

- اکبری، هادی، غضنفری، محمد، حارث آبادی، مهدی. (۹-۱۳۹۳). تجزیه و تحلیل و مقایسه چکیده مقالات نوشته شده توسط محققین ایرانی و خارجی در حوزه پرستاری و مامایی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*. دوره ۶. شماره ۳. صص ۶۶۵ - ۶۷۴.
- کوشا، منصور و سید عبدالمجید طباطبایی لطفی (۱۳۹۴). «مطالعه توصیفی نظام سامان‌دهی مطالب در انشاهای انگلیسی دانشجویان ایرانی: میزان گرایش به انسجام بارز و نگارش نویسنده - مسئول». *زبان پژوهی*. دوره ۷. شماره ۱۴. صص ۱۲۷-۱۴۳.
- جلیلی فر، علیرضا (۱۳۸۸). *مقاله نویسی در زبان شناسی کاربردی: راهنمای نگارش ژانر محور*. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- جلیلی فر، علی رضا؛ وحید دستجردی، حسین (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی نوع ادبی چکیده انگلیسی پایان‌نامه‌های دکتری و کارشناسی ارشد تنوع در رشته‌ها و فرهنگ‌ها. *نشر پژوهی ادب فارسی*. شماره ۲۳. صص ۳۹۹ - ۴۳۰.

References

- Akbari, H., Ghazanfari, M., Haresabadi, M. (2014). Analysis and comparison of research article abstracts published in Iranian and international journals in the fields of nursing and midwifery. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 6 (3), 675-674 [in Persian].
- Alavi, M., & Ghasemi, T. (2014). A comparative move analysis study of theses abstracts written by Iranian M.A. students of TEFL and English literature. *IJAH*, 3(2), 5-15. [Online]:
< <http://www.onlineresearchjournals.org/IJAH>.>
- ANSI/NISO Z39.14-1997 (2009). Guidelines for abstracts. [Online]:
<http://www.niso.org/apps/group_public/download.php/13350/Z39-14-1997_r2009.pdf>
- Bhatia, V. K. (1993). *Analyzing genre: Language use in professional settings*. London: Longman.
- Bhatia, V. K. (2004). *Worlds of written discourse: A genre-based view*. London: Continuum.
- Connor, U. (1996). *Contrastive rhetoric: cross-cultural aspects of second language writing*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Connor, U., & Mauranen, A. (1999). Linguistic analysis of grant proposals: European Union research grants. *English for Specific Purposes*, 18 (1), 47-62.
- Cumming, A., & Riazi, A. M. (2000). Building models of adult second language writing instruction. *Learning and Instruction*, 10, 55-71.
- Dudley-Evans, T. (1989). An outline of the value of genre analysis in LSP work. In C. Lauren & M. Nordman (Eds.), *Special language: from humans thinking to thinking machines* (pp. 72-79). Clevedon: Multilingual Matters.
- Dudley-Evans, T. (1994). Genre analysis: an approach for text analysis for ESP. In M. Coulthard (Ed.), *Advances in written text analysis* (pp.28-219). London: Routledge.
- Halliday, M. A. K., McIntosh, A., & Stevens, P. (1964). *The linguistic science and language teaching*. London: The English Language Book Society and Longman Group, Ltd.
- Hasrati, M., Gheitury, A., & Hooti, N. (2010). A genre analysis of Persian research article abstracts: communicative moves and author identity. *Iranian Journal of Applied Language Studies*, 2 (2). 47-74.
- Hinds, J. (1990). Inductive, deductive, quasi-inductive: expository writing in Japanese, Korean, Chinese, and Thai. In U. Connor & A. Johns (Eds.), *Coherence in Writing* (pp. 87-110). Alexandria: VA. TESOL.
- Hinkel, E. (2004). *Teaching academic ESL writing: practical techniques in vocabulary and Grammar*. New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Hoey, M. (1983). *On the surface of discourse*. London: George Allen and Unwin.
- Hyland, K. (2007). Genre pedagogy: language, literacy and L2 writing instruction. *Journal of Second Language Writing*, 16, 148-164.
- ISO 214 (1976). *Documentation - Abstracts for publications and documentation*. International Organization for Standardization. [Online]:
<<https://www.iso.org/standard/4084.html>.>
- Jalilifar, A. R. (2009). *Research article in applied linguistics: a genre-based writing guide*. Ahvaz: Shahid Chamran University Press [in Persian].
- Jalilifar, A. R., & Vahid Dastjerdi, H. (2010). A contrastive generic analysis of thesis and dissertation abstracts: variations across disciplines and cultures. *Journal of Persian Language and Literature*, 26 (23), 17-50 [in Persian].
- John, S. (2009). Using the revision process to help international students understand the linguistic construction of the academic identity. In M. Charles, D. Pecorardi, & S. Hunston (Eds.), *Academic writing: At the interface of corpus and discourse* (pp. 266-298). London & New York: Continuum.
- Johns, A. M. (Ed.). (1997). *Text, role, and context: developing academic literacies*. Cambridge: Cambridge print.

- Kaplan, R. B. (1983). An introduction to the study of written text: The "discourse compact." In R. B. Kaplan, A. d'Anglejan, J. R. Cowan, B. Kachru, & G. R. Tucker (Eds.), *Annual review of applied linguistics* (pp. 138-151). Rowley, MA: Newbury House.
- Kousha, M. & Tabatabaee Lotfi, S. (2015). A descriptive study of the rhetoric in Persian expository writings: cohesion and audience awareness. *Zabanpazhuhi*, 7 (14), 127-143 [in Persian].
- Leki, I. (1992). *Understanding ESL writers*. Portsmouth, NH: Boyton/Cook.
- Nwogu, K. N. (1997). The medical research paper: structure and functions. *English for Specific Purposes*, 16 (2), 119-138.
- Omaggio Hadley, A. (1993). *Teaching language in context*. Boston: Heinle & Heinle.
- Reid, T. B. (1956). Linguistics, structuralism, philology. *Archivum Linguisticum*, 8, 28-37.
- Selinker, L., Lackstrom, J., & Trimble, L. (1974). Presupposition and technical rhetoric. *English Language Teaching Journal*, 29 (1), 59-65.
- Sinclair, J. & Coulthard, M. (1975). *Towards an analysis of discourse*. London: OUP.
- Skelton, J. (1994). Analysis of the structure of original research papers: an aid to writing original papers for publications. *British Journal of General Practice*, 44 (387), 455-459.
- Swales, J. (1990). *Genre analysis: English in academic and research settings*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Talebinezhad, M., Arbabi, Z., Taki, S., & Akhlaghi, M. (2012). Rhetorical variation in medical article abstracts written in English and Persian. *The Journal of Teaching Language Skills (JTLS)*, 3(4), 127-144.
- Zand-Vakili, E. & Fard Kashani, A. (2012). The contrastive move analysis: an investigation of Persian and English research articles abstract and introduction parts. *Mediterranean Journal of Social Sciences*, 3(2), 129-137.

A Contrastive Move-analysis Study of the Abstracts of Humanities and Hard/Medical Sciences Based on Dudley-Evans' Model

Seyyed Abdolmajid Tabatabaee Lotfi¹
Tahereh Qasemi²
Mahin Sadat Tabatabaee³

Received: 21/07/2017

Accepted: 28/02/2018

Abstract

This study is an attempt to explore the association between one major social class and part of its verbal behavior. This research focuses on analysis of the move structure of the abstracts of articles published in journals. The present study investigated 60 article abstracts written by Iranian university faculty members from humanities, hard science, and medical science faculties. In order to identify the kind and frequency of the moves in article abstracts, the study followed Dudley-Evans' (1989) model. The collected corpus was initially coded by two coders, then the non-parametric Mann-Whitney *U* test was employed to estimate move differences. The results revealed that there were not any significant differences in moves one to five, however there were some significant differences concerning the existence and frequency of the sixth move and its sub-moves in the chosen abstracts written in these three disciplines. The findings of this study can be useful for improvement of writing abstracts by researchers.

In general terms, discourse analysis accounts for global features of text and the organization of ideas in writing. Global features of L2 written discourse, such as discourse moves, organization, and structuring, as well as attendant issues of clarity, explicitness, fluidity, and contents of writing represent broader and more abstract constructs than those commonly examined in analyses of text (Grabe and Kaplan, 1996; Kaplan, 2000). One important concept to be considered in this regard is genre.

¹ Assistant Professor of English Language Teaching, English Language Department, Islamic Azad University, Qom Branch (Corresponding Author); majidtabatabaee@qom-iau.ac.ir

² PhD candidate of English Language Teaching, English Language Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran; maryamqasemy@qom-iau.ac.ir

³ PhD candidate of English Language Teaching, English Language Department, Qom Branch, Islamic Azad University, Qom; marjantabatabaee@qom-iau.ac.ir

The aim of genre analysis is to recognize the moves and how these moves are recognized in a given genre. So, the move analysis should be on the functional rather than on the formal characteristics of linguistic data and it is a reliable indicator of discourse values in a majority of discourse contexts (Bhatia, 1993). Move distinguishing is an operational question and there is not always a one to one correspondence between formal and functional aspect of language use. It has been seen that a particular formal feature to serve one or more discourse values in different context may be served by two different formal realizations (Dudley-Evans, 1994).

Connor and Mauranen (1999) pointed out that “the identification of moves in a text depends on both the rhetorical purpose of the texts and the division of the text into meaningful units on the basis of linguistic clues, which included discourse markers (connectors and other metatextual signals), marked themes, tense and modality changes, and introduction of new lexical references” (Connor & Mauranen, 1999, p. 52). Explicit text divisions in the personal statement, namely, the use of section boundaries, paragraph divisions, and subheadings, may serve as textual marks for move recognition. As moves serve rhetorical purposes, the introduction of new themes and lexical references can usually imply the start of a new move. In addition, the identification and counting of T units, main clause and any subordinate clause or non-clausal structure attached to or embedded in a sentence, can help to break down the text into moves because this examination can help to locate places for change of topics and themes. The analysis of lexical devices also can help to analyze the moves (Connor & Mauranen, 1999).

Academic research papers consist of different parts such as the abstract, introduction, and literature review. Abstracts are one of the most important parts in research articles because they are the gates to the article, based on which the reader decides to get involved with the article or not. As many scholars have pointed out, article abstracts have become one of the most important genres in academic discourse (Staheli, 1986; Swales, 1990; Salager-Mayer, 1990; Salager-Mayer, 1992). Considering its importance, the study of the structure of the abstracts in research articles written by members of the academic community can be fruitful. Move analysis, as a branch of genre analysis, provides the means for the analysis of the moves of abstracts. Dudley-Evans (1989), by looking at move-structure in introduction to Master of Science dissertations, discovered a six-move structure. According to Porush (1995), although abstracts take up the major part of professional and scientific papers, their study or methodology are not sufficient.

To this end and through a descriptive analytic approach, the researchers in this study aimed to explore the association between one major social class and part of its verbal behavior. This research focused on analysis of the move structure of the abstracts of articles published in journals. The present study investigated 60 article abstracts written by university faculty members from humanities, hard science, and medical science faculties.

The participants in this study consisted of sixty faculty members from Islamic Azad University, who had published articles in academic journals. They were chosen on availability basis. They were all male, except two. The material analyzed in this study was sixty abstracts published in academic journals. Furthermore, the researcher employed Dudley-Evans' Move analysis model (1989). This model consists of six moves, some of which are made up of some sub-moves. The collected corpus was initially coded by two coders, then the non-parametric Mann-Whitney *U*

test was employed to estimate move differences. The results revealed that there were not any significant differences in moves one to five, however there were some significant differences concerning the existence and frequency of the sixth move and its sub-moves in the chosen abstracts.

The general findings of this study reveal that the abstracts written by the scholars of the mentioned faculties followed the recommendations found in the two standards of ISO 214:1976 (en) Documentation and ANSI/NISO Z39.14-1997 (R2009), rather than Dudley-Evans' (1989) or Swales' (1990) models. In other words, the authors usually start their abstracts with a reference to the aim of their articles; they leave out the introduction of the general and specific topic; i.e. finding about the field of study and the general and specific field of research is considered as a responsibility of the readers. Therefore, in this regard, the abstracts follow a more reader-responsible model rather than a writer-responsible model. Furthermore, the niche of research is not among the moves with high frequency in the abstracts. However, there is a tendency to stating the aim of research and briefly describing the procedure carried out. Finally it should be noticed that the procedure is mentioned more clearly in the abstracts written by hard science, and medical science faculty members, rather than by the humanities ones.

Keywords: Discourse Community, Move, Move Analysis, Article Abstracts, Dudley-Evans' model